

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



پایان نامه تحصیلی جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته نقاشی

عنوان:

بررسی علل گرایش به آگزوتیسم در نقاشی معاصر ایران

استاد راهنما:

ایرج اسکندری

عنوان بخش عملی:

یک نگاه

استاد راهنمای بخش عملی:

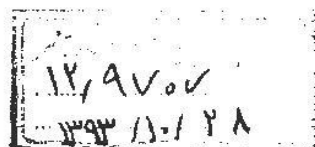
جمال عربزاده

نگارش و تمهیق:

فرزانه صفیاری کلور

ماه و سال:

بهمن ۹۳




به نام خدا

تعهدنامه

اینجانب فرزانه صفیاری کلور اعلام می‌دارم که تمام فصل‌های این پایان‌نامه و اجزاء مربوط به آن برای اولین بار (توسط اینجانب) انجام شده است. برداشت از نوشته‌ها، کتب، پایان‌نامه‌ها، اسناد، مدارک و تصاویر پژوهشگران حقیقی یا حقوقی (فارسی و غیرفارسی) با ذکر مأخذ کامل و شیوه تحقیق علمی صورت گرفته است.

بدیهی است در صورتی که خلاف موارد فوق اثبات شود مسئولیت آن مستقیماً به عهده اینجانب خواهد بود.

تاریخ
۹۳/۱۰/۲۸

امضا


تجربه مهم ترین عاملی است که همیشه باعث پیشرفت آدمی است. تا انسان طعم تلخ و شیرینش را نچشد و نداند در پس پیچ های پر از فراز و نشیبش چه چیزی نهفته است، نمی تواند راه زندگی را ادامه دهد .

درج مطالب هر چند کوتاه و مختصر با علم به این موضوع که به تمامی نتوانستم آن چه که هدفم بود را بجا بیاورم، تنها با هدایت و همراهی اساتید فن برایم لذت بخش و تازه بود؛ که در اینجا لازم می دانم از زحمات بی دریغ اساتید جناب **دکتر ایرج اسکندری و دکتر جمال عربزاده** نهایت سپاس و امتنان را داشته باشم که تجربه ای بس شیرین به آموخته هایم افزون نمودند.

شاید امروز باید به این سوال های بی جواب خاتمه دهم، چون تمام آغازهایی که پایانی دارد. هنر می تواند تمام لحظه های زندگی و تمام آفریده ها و هر آنچه روح زیباطلب انسان را به کمال برساند باشد .

چکیده:

اختصاص دادن صفت اگزوتیک به اثر هنری، از مباحث پیچیده و مناقشه برانگیز در نقاشی معاصر ایران است؛ عدم وجود تعریفی شفاف از مفهوم اگزوتیک به این مسئله دامن زده است. پایان‌نامه حاضر در تلاش است که ابتدا با تعریفی از معنی اگزوتیک با توجه به اهمیت نگاه و منظر غرب به جانب شرق تصویری روشن از این مفهوم به مخاطب ارائه کند و تلاشی را که هنرمند شرقی به منظور دیده و درک شدن توسط غرب می‌کند، نشان‌دهد. سپس با توجه به شرق‌شناسی ادوارد سعید و نظریه پسااستعماری به جایگاه شرق نزد غربیان می‌پردازد و با رویکردی هویت‌گرایانه به بررسی نقاشی دهه‌ی ۴۰ و جنبش سقاخانه‌ای و اهمیت و تأثیر آن بر نقاشی امروز ارائه می‌کند و هویت‌قومی و بازاریابی‌قومی که منجر به اهمیت پرداختن به مسئله اگزوتیک را می‌شود مورد بررسی قرار می‌دهد. در نهایت اگزوتیسیم را در فضای هنری چندین سال اخیر با توجه به امر جهانی شدن به مخاطب معرفی می‌کند.

کلید واژگان: مکتب سقاخانه - سنت - هویت - اگزوتیک - نقاشی معاصر - ایران

فصل اول: کلیات تحقیق

۲	۱-۱ مقدمه (بیان مسئله)
۳	۱-۲ پیشنهادی تحقیق
۴	۱-۳ روش تحقیق
۵	۱-۴ هدف
۵	۱-۵ سوالات و فرضیه

فصل دوم: اگزوتیک چیست؟

۷	۲-۱ اگزوتیک
۱۰	۲-۲ مبدأ اگزوتیک
۱۰	شرق شناسی
۱۲	شرق شناسی اروپا پس از جنگ های صلیبی
۱۳	شرق شناسی اروپا پس از حکومت عثمانی
۱۴	شرق شناسی اروپا پس از لشکرکشی ناپلئون و استعمار آن ها
۱۵	۲-۳ شرق شناسی ادوارد سعید
۲۱	۲-۴ اگزوتیسم در هنر
۲۳	اگزوتیسم در نقاشی
۲۳	نمود اگزوتیسم شرق در نقاشی غرب
۲۶	فردیناند ویکتور اوژن دولاکروا
۳۰	ژان آگوست دومینیک انگر
۳۳	ژان - لئون ژروم
۳۵	پیر آگوست رنوآر
۳۷	آنری ژولین فلیکس روسو

۳۸	اوژن آنری پل گوگن
۴۰	هانری امیل بنوا ماتیس
۴۴	اگزوتیسم در موسیقی
۴۴	اگزوتیسم در ادبیات
۴۶	۲-۵ فرآیند اگزوتیک شدن

فصل سوم: نقش اگزوتیسم در شکل دهی به هویت

۵۰	۳-۱ هنر و هویت
۵۱	۳-۲ هویت فردی
۵۲	۳-۳ هویت قومی
۵۶	۳-۴ هویت ملی
۵۶	بعد فرهنگی هویت ملی
۵۸	۳-۵ بازاریابی قومی
۵۹	۳-۶ هویت و هنر ایرانی

فصل چهارم: هنر هویتی ایران (دهه‌ی ۳۰ تا ۸۰)

۶۳	۴-۱ هنر در دهه‌ی ۳۰ و ۴۰ شمسی
۶۶	۴-۲ جنبش سقاخانه
۷۵	۴-۳ بنیان‌گذاران جنبش سقاخانه
۷۷	۴-۴ هنرمندان جنبش سقاخانه
۷۷	حسین زنده‌رودی
۸۲	پرویز تناولی
۸۴	صادق تبریزی
۸۵	منصور قندریز
۸۷	فرامرز پیلاآرام

۸۹	مسعود عربشاهی
۹۲	ناصر اویسی
۹۳	ژازه طباطبایی
۹۶	۴-۵ سرگذشت سقاخانه
۱۰۴	۴-۶ سقاخانه مکتب نیست!
۱۰۷	۴-۷ فضای هنری بعد از دهه‌ی ۴۰
۱۱۱	۴-۸ فضای هنری در چند دهه‌ی اخیر
۱۱۲	جهانی شدن
۱۲۱	نتیجه گیری
۱۲۶	منابع

فصل اول: کلیات تحقیق

۱-۱ مقدمه

ایرانی بمان! کمتر کسی است که تجربه‌ای در فضای تجسمی داشته و با این جمله روبه‌رو نشده باشد. ایرانی ماندن و هویت ایرانی داشتن در آفرینش آثار هنری مسئله‌ای است که از دیرباز تاکنون ذهن هنرمندان را به خود مشغول داشته و آنان را برانگیخته تا به شیوه‌های مختلف در پی هویت اصیل خویش در آثار باشند و به‌گونه‌ای آثار خود را رنگ و بوی ایرانی بخشند.

این مسئله از همان آغاز حیات نقاشی معاصر ایران شروع شد و بیش از ۵۰ سال جلوه‌های گوناگونی از خود بروز داده‌است و همچنان هم دغدغه بسیاری از هنرمندان معاصر ایران است. با نگاهی کلی به آثار نقاشی معاصر ایران درمی‌یابیم که نقاشی از جنبه‌های خلاقانه، پیش‌تازانه و هنرمندانه فاصله گرفته است؛ که این امر دلایل مختلفی می‌تواند داشته باشد.

در این میان بسیاری از نقاشان برای این که بتوانند آثار خود را مورد توجه قرار دهند و حتی در آن سوی مرزها مورد پذیرش واقع شوند از به کاربردن هرگونه المان و کلیشه‌های هویتی دریغ نکرده‌اند، تا از این راه نگاه آگزوتیکی غرب را جلب کنند؛ در واقع هنرمند به آگزوتیسمی دامن می‌زند که غرب تمایل دارد در هنر و جامعه ما ببیند و از آن بدتر هنرمندان ما خود را از نگاه دیگری دیده و درک می‌کنند.

مسئله‌ای که پیشتر از این، دغدغه هنرمندان جنبش سقاخانه‌ای در دهه‌ی ۴۰ شمسی بود که نتیجه آن پیوند میان هنر مدرنیسم دنیا و سنت خودشده. بازگشت به هویت و سنت از این مکتب سرچشمه‌می‌گیرد. اما تداوم آن در دهه‌های بعد با مسائلی چون مهاجرت، گوشه نشینی و مرگ زود هنگام کسانی چون قندریز و پیلاآرام و انقلاب و جنگ دچار تغییراتی اساسی می‌شود.

این سنت از نگاه خودمان و اگزوتیک از نگاه غربی امروزه تا جایی پیش می‌رود که آثار نقاشی را به کلیشه‌های هویتی بدل می‌کند.

آنچه که این نوشتار قصد بیانش را دارد اگزوتیسم به مفهوم عام و تاریخی در هنر و ادبیات اروپایی و یک جریان متأخر که بر هنر ایران سایه افکنده است؛ و در صدد جلب رضایت و موردپسند واقع شدن آن دیگری است. هدف این تحقیق، بررسی گرایش به سنت و هویت و علل انحراف از مسیر اصیل خود است. امید که این پژوهش بتواند علل تداوم نادرست جریان سقاخانه را بررسی کند. البته چالش‌هایی چون بازار و جهانی‌شدن به منظور فروش بیشتر در تولید این آثار کلیشه‌ای بی‌تأثیر نیست و پرداختن به آن خالی از لطف نیست.

۱-۲ پیشینه‌ی تحقیق:

نقاشی معاصر ایران وضعیتی مبهم دارد که گاه حتی تشخیص خوب و بد دشوار است. تناقضات بسیاری در باب نقاشی معاصر وجود دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها نقد نشدن آثار هنری است. متأسفانه عدم وجود مقاله‌ها و نقدهای مناسب جز در مواردی محدود، فضای بسیار گنگ و مبهمی را پیش روی هنرجویان قرار می‌دهد که رهایی از این سردرگمی مستلزم شناخت صحیح آثار هنری و همچنین پیوند با گذشته‌شان می‌باشد. با بررسی‌های انجام شده، در مقالات و پایان‌نامه‌های مختلف با پرداختن به شکل‌گیری و پیدایش مکتب سقاخانه از تأثیری که این مکتب روی هنر دهه‌های بعد و به طور خاص دهه ۸۰ می‌گذارد غافل مانده‌اند. نباید فراموش کرد که خود این اصطلاح اگزوتیسم راه نقد را بر اثر هنری می‌بندد و اثر را در حاله‌ای از ابهام قرار می‌دهد. تاکنون بررسی و پژوهش‌های جامعی درباره اصطلاح اگزوتیک در ایران صورت نگرفته‌است؛ به همین دلیل پرداختن به آن بدون ارجاع به منبعی فارسی بس دشوار است. از جمله معدود افرادی که در مقاله‌شان تنها به اختصاص دادن این

کلمه به آثار هنرمندان امروزی بسنده کرده‌اند باربد گلشیری است؛ او دو مقاله نوشته است که به دلایلی نامعلوم تنها یکی از آنها در روزنامه شرق با موضوع " زیرا می‌دانند آن چه را به راستی می‌دانند " چاپ شده است.

تاکنون تحقیق جامعی درباره سرچشمه آگروتیک و علل گرایش به آن در نقاشی معاصر ایران به دست نیامده است جز در مواردی محدود که شامل چندین نوشته برای برگزاری افتتاح نمایشگاه بوده است؛ از جمله آن‌ها نوشتاری از احمد دالوند با موضوع " سرچشمه های آگروتیسم در نقاشی معاصر ایران " به دلیل برپایی نمایشگاه جنبش سقاخانه در موزه هنرهای معاصر می‌توان اشاره کرد، که به صورت کلی به آن پرداخته شده است.

همچنین چند مقاله در فصلنامه حرفه هنرمند به شماره ۴۴ درباره هنر دهه‌ی ۸۰ شمسی و آگروتیک در آنان به صورت مختصر اشاره کرده است.

اگرچه که ممکن است نقدهایی راجع به هنر معاصر نوشته شده باشند اما در همه آن‌ها به صورت کلی به مسئله آگروتیک اشاره دارد و مخاطب را در ورطه‌ای از ابهام قرار می‌دهد بی‌آن‌که بداند چرا به این اثر آگروتیک می‌گویند؟ ریشه و گرایش به آن از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ و اصرار برخی از هنرمندان به آن برای چیست؟

۳-۱ روش تحقیق:

از نظر نگارنده پیگیری مقوله آگروتیک در نقاشی معاصر ایران در صورتی در جهت مناسب پیش خواهد رفت که ابتدا به خود آگروتیک بپردازیم.

مطالب مربوط به فصل دوم بیشتر به صورت ترجمه و فیش برداری و تجزیه و تحلیل مقالات غیر فارسی زبان است؛ و سطرهای مربوط به تاریخ هنر نیز به صورت ارجاع مستقیم بیان شده‌اند.

فصل سوم بیشتر به روش فیش برداری و کتابخانه‌ای و در مواردی توصیفی و تا حدودی تحلیلی است.

فصل چهارم بیشتر مطالب به صورت نقل و قول بیان شده‌اند. با این حال مطالب ذکر شده در این فصل با مطالعه و مقایسه فراوان بین کتاب‌ها و مقالات متعدد در این باره گردآوری شده است.

به طور خلاصه، گردآوری و نگارش از ترجمه متون غیر انگلیسی و به صورت اینترنتی، فیش برداری و کتابخانه‌ای، توصیفی و در مواردی تجزیه و تحلیلی صورت گرفته است.

۴-۱ هدف:

هدف این پژوهش شناسایی منشاء و سرچشمه اگزوتیک در هنر معاصر است که مربوط به دهه‌ی ۴۰ شمسی می باشد، که در آن هنرمندان سرشناس جنبش سقاخانه و تأثیرات آنان بر نسل‌های بعد و به خصوص دهه‌های اخیر را مورد بررسی قرار می دهد، هم چنین تلاش دارد تا علل گرایش هنرمندان به اگزوتیسم را در هنر معاصر ایران بررسی کند و تأثیر بازار جهانی را که سهم بسزایی در روند شکل گیری این آثار دارد در نظر بگیرد.

۵-۱ سوالات:

آیا نقاشی سقاخانه‌ای منشاء اگزوتیسم هنر معاصر ایران است؟

آیا اگزوتیسم در نقاشی معاصر ایران می‌تواند یک روش یا منش قلمداد شود؟ (ظرفیت تبدیل شدن به یک سبک یا شیوه را دارد؟)

آیا نقاشی معاصر ایران تقلید سطحی از سقاخانه است؟

فرضیه‌ها:

نقاشی معاصر ایران برداشت سطحی از هویت است.

وجود بازارهای جهانی از عوامل تأثیرگذار در نگاه اگزوتیکی نقاشی معاصر ایران است.

فصل دوم: اگزوتیک چیست؟

۱-۲ اگزوتیک^۱

اگزوتیک از ریشه یونانی "اگزو"^۲ به معنی "بیرونی، خارجی" و "اگزوتیکاس"^۳ به معنی "بیگانه، غیربومی" گرفته شده است.

از آنجایی که لغت "اگزوتیک" را در فرهنگ لغت‌های مختلف جست‌وجو کردیم در اکثر موارد به لغاتی چون "خارجی"، "عجیب"، "بیگانه" و یا "دوردست" و با جملاتی چون "کسی که متعلق به کشورهای خارجی باشد." و یا "کسی که متعلق به سرزمین دور باشد." مواجه شدیم.^۴

در بین فرهنگ لغات لیستی از مترادف‌هایی با معنای نزدیک و دور وجود دارد که تعجب برانگیز است؛ برای مثال لغت "عجیب" و یا "باورنکردنی" برای چه کسی؟ یا "دوردست" از کجا؟^۵

زبان‌شناسان اگزوتیک را در معناها، شرایط و در جایگاه‌های متفاوتی تعبیر می‌کنند.

ژان فرانسوا استازک^۶ جغرافی‌دان مشهور فرانسوی در مقاله‌ای با عنوان "اگزوتیسم چیست؟"

می‌نویسد: «اگزوتیسم لغتی است که معنی و مفهوم آن وابسته به متنی می‌باشد که در آن جای

گرفته است؛ همچنین در طبقه وسیعی دسته‌بندی می‌شود؛ مانند اصطلاحات "این‌جا" و

"آن‌جا". (8: 2008)

1.Exotic

2.Exo

3.Exotikos

4.<http://www.larousse.fr/dictionnaires/francais/exotique/32204>

5.<http://dictionnaire.reverso.net/francais-definition/exotique>

6.Jean-Francois Staszak

در واقع اگزوتیک خارج از متن نمی‌تواند معنی و مفهوم مهمی را مطرح کند. برای این اصطلاح در فارسی به راحتی نمی‌توان معادل پیدا کرد، این واژه در توصیف چیزی به کار می‌رود که متفاوت، بیگانه و در عین حال هیجان‌انگیز و جذاب باشد.

هنگامی که کلمه "اگزوتیک" در گوگل تایپ می‌شود، علاوه بر وبسایت‌ها و وبلاگ‌های متنوع، که به معرفی رستوران، مواد خوراکی، دکوراسیون، حیات وحش، گیاهان و... می‌پردازند، در قسمت تصاویر مربوط به جست‌وجوی این اصطلاح با عکس‌هایی از زنان بومی مناطق گرمسیری، جزایر بهشتی با سواحلی از شن‌های طلایی، درختان نارگیل زیر تابش تابان خورشید، جانوران وحشی، خوراکی‌ها و نوشیدنی‌های تهیه شده از کشورهای مختلف روبه‌رو می‌شویم.

کلیشه‌ها تقریباً یکسان هستند، تنها وجه اشتراک این تصاویر مربوط به رنگ و لعاب آن‌ها می‌باشد؛ تمامی آن‌چه که در هر جا مربوط به اگزوتیک است، کمی عجیب و در عین حال جذاب می‌نماید.

ساکنان کشورهای خارجی میوهایی که آنان مصرف می‌کنند، گیاهان و جانورانی که در اطراف آن‌ها به منزله دورافتاده و خارجی هستند را این‌گونه نمی‌بینند. «اگزوتیک اغلب مترادف با مناطق گرمسیری و استوایی است، آن‌چه که برخاسته از یک مقوله جغرافیایی ایجاد شده توسط غرب می‌باشد. مناطق استوایی در حقیقت چشم‌اندازی از مناطق معتدل دوردست می‌باشند، اما ساکنان این مناطق، خودشان مسلماً مناطق خاص خودشان را چون مناطق دورافتاده و عجیب نخواهند دید.» (همان)

بنابراین اگزوتیسم یک رویداد با یک مشخصه کامل نیست، بلکه از دیدگاه غربی شامل مجموعه‌ای از ارزش‌ها و بازنمایی چیزی است.

تعریف این اصطلاح، بازتاب مسلمی از دیدگاه غرب نسبت به جایگاه خودش به عنوان یک هنجار و اصل قانونی است. این غرب‌محوری از موقعیت هژمونیک و دستاوردهای دوران استعمار و مدرنیته

حفظ و برقرار شده است. «این‌جا» از لحاظ جغرافیایی با مرکزیت پاریس، لندن و پایتخت‌های جهان غربی تعریف شده است. مفهوم لغت «این‌جا» لزوماً با تعریف «آن‌جا» شکل می‌گیرد.» (همان)

تنها کافی است که «ما» این حد و مرزها را در ذهن خودمان برپاکنیم؛ در نتیجه «آن‌ها» به طور اتوماتیک تبدیل به «آن‌ها» خواهند شد، و سپس، هم سرزمین و هم ذهنیات و تفکرات آن‌ها از مال «ما» متفاوت خواهد شد. «بدین ترتیب به نظر می‌رسد که هم جوامع جدید و هم جوامع ابتدایی تا حدودی هویت خود را از این تفکر منفی به دست آورده باشند. به عنوان مثال یک فرد آتنی قرن پنجم، صرفاً به این خاطر که احساس می‌کرد یک آتنی است، خود را بربر نمی‌دانست. مرزهای جغرافیایی، به صورت‌هایی مورد انتظار، مرزهای اجتماعی، نژادی و فرهنگی را همراهی می‌کنند. با این وجود، احساسی که فرد بدان وسیله خود را «غیرخارجی» می‌پندارد غالباً بر مبنای غیر محکمی از آنچه در «بیرون»، در خارج از محدوده و سرزمین فرد، قرارداد بنا شده است. در رابطه با فضای ناآشنایی که در بیرون از شناخت و ذهنیت هر یک قرارداد، انواع فرضیات، الحاقات و تخیلات منصفه ظهور و بروز دارند.» (سعید، ۱۳۷۱: ۱۰۳)

به نقل از استازک اگزوتیسم ناشی از قضاوت و داوری ارزش‌هاست. «اگرچه که اختلافات ظاهری بین مکان‌ها و مردم مطرح نیست، اما یک گروه غالب همواره گروه دیگر را با مشخص کردن جزئیات اختلافات -چه حقیقی چه خیالی- تشکیل دادند.» (10: 2008)

در واقع آنچه که از لحاظ جغرافیایی از غرب دور می‌باشد به منزله غیر عادی و در مقایسه با ارزش‌های غربی وعادت‌ها در نظر گرفته می‌شود. استازک معتقد است که بایستی به اندازه کافی فواصل فیزیکی برای این‌که یک مکان به منزله اگزوتیک مشخص شود، وجود داشته‌باشد. برای مثال یک شهروند فرانسوی در پایان قرن بیستم کشور اسپانیا را به منزله یک کشور اگزوتیک نمی‌تواند

در نظر بگیرد، چون این کشور از لحاظ مادی و سمبلیک خیلی به فرانسه نزدیک است؛ شاید کشور مراکش به عنوان یک کشور اگزوتیک بتواند گزینه بهتری باشد.

اگرچه که اگزوتیک از اعجاب و شگفتی سرچشمه می‌گیرد اما بار معنایی نسبتاً مثبت دارد. برای مثال یک مکان اگزوتیک جذاب و خوشایند می‌باشد و باعث برانگیختن حس اکتشاف و جذب توریست می‌شود. باید این نکته را در نظر داشت که امر اگزوتیک توانایی تحسین کردن را به شکلی خاص از آنچه که باعث شگفتی می‌شود را دارد. تمامی آنچه که در دوردست و اعجاب‌انگیز است لزوماً اگزوتیک نیست. استازک "آدم‌خواری" را عنوان می‌کند؛ به عنوان مثال این اصطلاح باعث کنجکاوی می‌شود اما به عنوان یک امر اگزوتیک در نظر گرفته نمی‌شود، چون ما موفق به جلب یک پدیده به شیوه مثبت نیستیم. در نتیجه باید حداعتدال را نگه داشت، آنچه که عجیب و خیلی اعجاب برانگیز است مشمئزکننده نمی‌باشد، فقط آنچه که به حد کفایت به صورت مادی و نمادین دور، قابل اندازه و قابل قبول می‌باشد اگزوتیک است و نه اساساً تفاوت در عادات و ارزشهایمان به صورت کاملاً اساسی؛ استازک در این خصوص چنین می‌گوید: «یک غیربومی در صورتی اگزوتیک است که غیربومی نجیبی باشد.» (همان ۱۱-۱۲)

۲-۲ مبدأ اگزوتیک

شرق‌شناسی^۷:

از آنجایی که اگزوتیک با شرق‌شناسی در ارتباط است لزوماً یک مکتب، سبک و یا جنبش نیست که به یک دوره زمانی، شیوه مشخص و یا فرهنگ خاص مرتبط شود؛ اگزوتیسم ممکن است در قالب بدویت، قوم‌محوری و یا انسان‌گرایی ظهور کند.

با کشف سرزمین‌های دیگر جاذبه‌های خاصی پدید می‌آید، در این باره مشرق زمین همیشه جاذبه اگزوتیکی برای غرب داشته‌است.

«در فرهنگ همه‌ی ملل، شرق^۸ را از آن جهت شرق می‌خوانند که خورشید از آن نقطه اشراق یا طلوع می‌کند و غرب^۹ را از آن جهت غرب می‌خوانده‌اند که خورشید در آن جا غروب می‌کند و از همین رو سرزمین‌هایی را که در آن سمت طلوع خورشید بوده‌اند، مشرق زمین و سرزمین‌هایی را که در سمت غروب آن بوده‌اند، مغرب زمین خوانده‌اند.» (قزوینی، ۱۳۸۴: ۷)

«همان‌گونه که خورشید از آسمان شرق طلوع می‌کند، خورشید فرهنگ و علم نیز از مشرق زمین طلوع کرد و قدمتی بیشتر دارد و مغرب زمین را از ظلمت و تاریکی درآورد و روحی نو و منظری جدید به آن بخشید.» (Weise, 1892:3)

شرق در مقابل غرب قرار گرفت. تفاوت‌های فرهنگی، آداب و رسومی و باورهای اعتقادی در این دو منطقه همیشه قابل قیاس بود. شرق و غرب هرگز از همدیگر بی‌نیاز نبوده، اگرچه که با یکدیگر به نزاع و ستیز برمی‌خواستند اما همواره برهم تأثیرگذارده و یکدیگر را متحول کرده‌اند.

«واژه شرق تقریباً یک ابداع اروپایی بود، و از دیرباز خاستگاه ماجراهای عاشقانه، آدم‌های بیگانه، خاطرات و سرزمین‌های به یادگار ماندنی و تجربیات برجسته بود.» (گواهی، ۱۳۷۱: ۱۳)

در طول تاریخ قدمت شرق نسبت به غرب نه تنها در دیرینگی زمانی بلکه در ظهور بزرگ‌ترین ادیان الهی از مشرق زمین نیز مشهود است. پیامبران سه دین الهی: اسلام، مسیحیت و یهودیت، حضرت محمد(ص)، حضرت عیسی(ص) و حضرت موسی(ع) از مشرق زمین (مکه، ناصره و مصر)

ظهور کردند و به ترویج دین‌شان در تمامی دنیا پرداخته‌اند. حتی «ریشه‌ی دین مسیحیت که در دنیای

غرب گسترده و با تصورات غربی درآمیخته از شرق است.» (Gunther, 1990:12)

در واقع این شرق بود که دائماً مورد توجه غرب و یا دیگری قرار می‌گرفت. فرهنگ، آداب و رسوم و

عادات زندگی شرقی در سه نقطه عطف تاریخی: ۱- جنگ‌های صلیبی، ۲- حکومت امپراطوری

عثمانی، ۳- لشکرکشی‌های ناپلئون به کشورهای اسلامی شمال آفریقا و استعمار آن‌ها، منجر به

آشنایی بیشتر دنیای غرب با شرق و بالعکس شد.

شرق‌شناسی اروپا پس از جنگ‌های صلیبی

با شروع جنگ‌های صلیبی بین مسلمانان و مسیحیان برای فتح فلسطین، بسیاری از مسلمانان کشته

شدند. در این دوران مسیحیان از نزدیک با زندگی و آداب شرق آشنایی پیدا کردند و شیفته آن شدند.

مهم‌ترین و قابل‌ذکرترین نتیجه جنگ‌های صلیبی که دو قرن به طول انجامید، ارتباط فرهنگی نزدیک‌تر

بین شرق و غرب بود.

«جنگ‌های صلیبی تأثیر بسزا و مشخصی بر تغییر عادات و زندگی روزمره اروپاییان گذاشت و روح

تازه‌ای در کالبد فرهنگ اروپایی دمید. اقوام، ملت‌ها و قبایل دور از هم، اروپا را در یک ارتباط

تنگاتنگ بایکدیگر قرارداد و آنان را با ملت‌ها و اقوام شرقی (نیز) آشنا کرد.» (Weise, 1892:13)

«هرچند تهاجمات و لشکرکشی‌ها در همه‌ی زمان‌ها راه مناسبی برای مبادله‌ی فرهنگی نیستند ولی

جنگ‌های صلیبی برای اروپائیان ارمغان آشنایی با فرهنگ و تمدنی را آورد که راهی نو را به ایشان

نشان داد. ایشان بدان وسیله توانستند فرهنگ و تمدن خویش را متحول بخشند.» (قزوینی، ۱۳۸۴:۱۵)

در همین دوران توجه آنان به خوشنویسی اسلامی بخصوص خط کوفی در کنار موتیف‌ها و خطوط

ساده هندسی بر روی پارچه‌ها، ظروف و فرش‌ها جلب شد؛ به کارگیری تصاویر حیواناتی مانند